

وزارت انرژی آمریکا با انتشار گزارش ۱۷۲ صفحه‌ای^۱، پیرامون استراتژی انرژی آمریکا تا سال ۲۰۲۰ ضمن بررسی وضعیت کنونی مصرف و تولید انرژی در بخش‌های مختلف آمریکا، ارزیابی خود را پیرامون چشم‌انداز آتی وضعیت مصرف و تولید انرژی تا سال ۲۰۲۰ ارائه نموده و در نهایت راهکارهای لازم به رئیس جمهور جهت اجرا پیشنهاد می‌نماید. این گزارش توسط گروه توسعه سیاست ملی انرژی ایالات متحده آمریکا تدوین گردیده است.^۲

رشد مصرف انرژی آمریکا فراتر از تولید داخلی

طی ۲۰ سال آینده، رشد مصرف انرژی در آمریکا چنانچه تولید در وضعیت نرخ تولید - مصرف ده سال گذشته ادامه یابد به نحو قابل ملاحظه‌ای فراتر از تولید انرژی در این کشور افزایش خواهد یافت.

در حال حاضر تولید انرژی در آمریکا ۸۰ کواد ریلیون BTUS^۳ می‌باشد. این در

1. Reliable, Affordable, and environmentally sound Energy for America's Future Report of the national energy policy Development group

۲. برخی از اعضای این گروه عبارتند از: دیک چنی (معاون رئیس جمهور)، کالین پاول (وزیر امور خارجه)، وزیر خزانه‌داری، وزیر کشور، وزیر کشاورزی، وزیر بازرگانی، وزیر حمل و نقل، وزیر انرژی، مدیر آژانس مدیریت اضطراری فدرال، مدیر آژانس حفاظت از محیط زیست، دستیار رئیس جمهور و قائم مقام ستاد سیاسی، مدیر اداره مدیریت و بودجه، دستیار رئیس جمهور در امور سیاست اقتصادی، قائم مقام دستیار رئیس جمهور و مدیر امور بین دولتی.

۳. واحد اندازه‌گیری انرژی (BTU) British Terminal Unit (BTU) کمیته از گرما که برای افزایش دمای یک پوند

حالی است که نیاز واقعی این کشور به انرژی رقم ۹۹ کوادریلیون BTUS می‌باشد. بدین ترتیب ملاحظه می‌گردد که آمریکا نیازمند به وارد نمودن ۱۹ تا ۲۰ کوادریلیون BTUS ارقام مختلف انرژی می‌باشد. ارزیابی‌های به عمل آمده نشان می‌دهد که مصرف انرژی آمریکا در سال ۲۰۲۰ به رقمی حدود ۱۲۸ کوادریلیون BTUS خواهد رسید، این در حالی خواهد بود که تولید انرژی این کشور طی ۲۰ سال آینده با توجه به محدودیت‌های موجود از حیث منابع و ظرفیت تولید، در سقف ۸۰ کوادریلیون BTUS متوقف خواهد گردید.

وابستگی آمریکا به منافع نفتی خارجی

بررسی‌های به عمل آمده حاکی است که وابستگی آمریکا به واردات نفت از خارج طی سال‌های ۱۹۷۰ تا ۲۰۰۰ سیر صعودی خود را حفظ نموده است. کارشناسان عقیده دارند که وابستگی آمریکا در واردات انرژی یک چالش بلندمدت می‌باشد. در چنین چالشی امنیت اقتصادی مردم آمریکا و شرکای تجاری آمریکا در حفظ مناسبات و روابط نزدیک در زمینه توسعه بازار جهانی نفت خواهد بود.

نفت

در بخش نیاز مصرفی نفت و گاز در آمریکا تا سال ۲۰۲۰ به رقم بیست و شش میلیون بشکه در روز خواهد رسید. با توجه به رقم کنونی نیاز مصرفی آمریکا که حدود ۱۹ میلیون بشکه در روز می‌باشد فاصله رشد منحنی نیاز به مصرف، رقم ۶ میلیون بشکه در روز خواهد بود. اگر چنانچه الگوی تولید و مصرف که طی ۱۰ سال گذشته اتخاذ گردیده ادامه یابد، به میزان ۵/۱ میلیون بشکه در روز بر میزان نیاز به مصرف افزوده خواهد گردید. از سوی دیگر محاسبات انجام گرفته نشان می‌دهد که آمریکا برای رفع نیاز خود به نفت و سایر مشتقات نفتی، واردات خود را

آب از ۱ درجه فارنهایت به نزدیک به ۳۹/۲ درجه فارنهایت مورد نیاز است.

باید به میزان ۵/۷ میلیون بشکه در روز افزایش دهد. در ارزیابی کلی، تولید داخلی نفت در سال ۲۰۲۰ صرفاً توان رفع ۳۰٪ نیاز آمریکا را خواهد داشت.

گاز

در خصوص گاز، نیاز به مصرف فعلی آمریکا ۲۵ تریلیون مترمکعب می‌باشد که این رقم در سال ۲۰۲۰ به رقم ۳۶ تریلیون مترمکعب بالغ خواهد گردید. این کشور در حال حاضر به میزان ۱۹ تریلیون مترمکعب از نیاز خود را از منابع داخلی تأمین می‌نماید و مابقی آن را که حدود ۶ تریلیون می‌باشد وارد می‌نماید. محدودیت منابع داخلی در امر تولید در شرایط کنونی به این کشور صرفاً اجازه می‌دهد تا رشد تولید گاز را در سقف ۱۴٪ حفظ نماید اما افزایش روند مصرف گاز طی سال‌های آینده تا سال ۲۰۲۰ به میزان نزدیک به ۵۰٪ خواهد بود، از این رو آمریکا مجبور خواهد بود که، تا سال ۲۰۲۰ از طریق منابع خارجی مبادرت به تأمین گاز مورد نیاز خود نماید.

روند افزایش وابستگی به واردات نفت و گاز

بررسی‌های به عمل آمده حاکی است که طی ده سال گذشته مصرف نفت و سایر مشتقات نفتی آمریکا به نحو فزاینده‌ای از میزان تولیدات داخلی فراتر بوده است. اکنون واردات ایالات متحده به میزان نصف از کل مصرف (۵۱/۶٪) بالغ گردیده است این در حالی است که واردات آمریکا در دهه ۷۰ (۱۹۷۳) ۳۴/۸٪ (حدود ۳۵ درصد) بوده است. در همین حال قیمت این کالا طی سال‌های مورد مطالعه از روند افزایشی برخوردار بوده است. هرچند این قیمت با قیمت اصلی آن فاصله زیادی داشته است.

منابع تأمین انرژی در مناطق مختلف جهان و ذخایر شناخته شده

مطالعات صورت گرفته حاکی است که در سال ۲۰۰۰ از مجموع تأمین‌کنندگان خارجی

نفت و مشتقات نفتی آمریکا ۵۰٪ از طریق کشورهای واقع در نیمکره غربی (خصوصاً از کانادا ۱۵٪ - ونزوئلا ۱۴٪ - مکزیک ۱۲٪ - کلمبیا) صورت گرفته است و بقیه ۵۰٪ واردات از طریق کشورهای آفریقایی ۱۴٪ (به ویژه نیجریه - آنگولا)، خاورمیانه ۲۴٪ (عمدتاً عربستان سعودی ۱۵٪ و عراق)، اوراسیا ۹٪ و ۳٪ نیز از طریق دیگر مناطق تأمین گردیده است.

از مجموع ذخایر کشف شده و شناخته شده جهان، خاورمیانه با دارا بودن ۶۷٪ ذخایر نفت خام جهان در صدر قرار دارد. دیگر مناطق جهان که دارای ذخایر شناخته شده نفت خام می باشند عبارتند از:

- آمریکای مرکزی و جنوبی ۹٪؛

- اروپای غربی ۲٪؛

- آمریکای شمالی ۵٪؛

- اروپای شرقی و کشورهای مستقل مشترک‌المنافع (اتحادشوروی سابق) ۶٪؛

- آفریقا ۷٪؛

- و خاور دور و اقیانوسیه ۴٪.

در این بین میزان ذخایر کشف شده خاورمیانه ۶۶۴ میلیارد بشکه می باشد که دو سوم کل ذخایر شناخته شده نفت خام جهان را شامل می گردد.

جایگاه دریای خزر در تأمین انرژی آمریکا

ذخایر کشف شده فعلی نفت جمهوری آذربایجان و قزاقستان ۲۰ میلیارد بشکه می باشد که اندکی بیشتر از ذخایر دریای شمال و قدری کمتر از ذخایر آمریکا می باشد. لیکن اکتشاف در این دریا همچنان ادامه دارد و انتظار می رود که میزان ذخایر کشف شده در این دریا به نحو قابل ملاحظه‌ای افزایش یابد. برای مثال، در نتیجه اکتشافات صورت گرفته در حوزه کاشاگان^۱ اعلام

گردید که این حوزه یکی از مهمترین حوزه‌های شناخته شده طی ۳۰ سال گذشته بوده است. صادرات فعلی منطقه خزر روزانه ۸۰۰۰۰۰ بشکه می‌باشد که یکی از دلایل محدودیت تولید فعلی فقدان وجود مسیرهای انتقال نفت خام تولیدی به بازارهای مصرف می‌باشد. لیکن به‌طور بالقوه این حوزه می‌تواند تا میزان ۱/۸ میلیون بشکه نفت در روز تا سال ۲۰۰۵ صادر نماید. به همین دلیل آمریکا با شرکت‌های خصوصی و کشورهای منطقه برای توسعه بازرگانی واقع در مسیرهای صادرات به‌طور تنگاتنگی کار می‌کند، به‌طور مثال، در موضوع باکو - تفلیس - جیهان (BTC) و نیز در موضوع کنسرسیوم خط لوله نفت خزر چنین رویه‌ای مشاهده می‌شود. افزون بر آن خوش‌بینی قابل درکی وجود دارد که صادرات این منطقه می‌تواند به‌طور قابل ملاحظه‌ای طی سال‌های آتی به علت وجود چشم‌انداز مثبت در اکتشافات حوزه‌های نفت و گاز و توسعه مسیرهای در حال احداث جدید صادراتی، افزایش یابد. سرمایه‌گذاران خارجی و تکنولوژی برای استمرار توسعه مسیرهای صادراتی قابل دسترس جدید با اهمیت هستند. چنین توسعه‌ای (در مسیرهای انتقال انرژی به بازارهای جهانی) تضمینی برای افزایش تولید نفت خزر که مؤثر در همگرایی در تجارت جهانی نفت است، خواهد بود. آمریکا خطوط لوله نفت شرق - غرب را که قابلیت حمل و نقلی بنیادین جدیدی را که در راستای استمرار توسعه تولید و صدور قرار دارد حمایت می‌کند. همچنین مسیرهای فراملی نظیر خط لوله برنامه‌ریزی شده BTC (باکو - تفلیس - جیهان) به کاستن از مخاطرات ازدحام در تنگه بسفور کمک خواهد نمود. به‌علاوه، آمریکا برای مساعدت به تمهیدات کشورها برای افزایش تولید نفت در این منطقه، با دولت‌های واقع در مرز دریای سیاه و دریای خزر کار می‌کند.

جایگاه روسیه در سیاست‌های انرژی آمریکا

نفت

روسیه دارای ۵ درصد از ذخایر کشف شده نفت جهان می‌باشد. در سال ۲۰۰۰ میانگین تولید نفت روسیه ۶/۷ میلیون بشکه نفت و گاز مایع طبیعی در روز بوده است. این ظرفیت سبب گردید تا روسیه در ردیف دومین تولیدکننده و سومین صادرکننده (۴/۲ میلیون بشکه نفت

در روز) در سطح جهانی قرار گیرد. تولید نفت روسیه در سال ۲۰۰۰ نمایانگر افزایش ۷ درصدی نسبت به سال ۱۹۹۹ می باشد که به عنوان اولین افزایش تولید نفت در این کشور پس از فروپاشی اتحاد شوروی محسوب می گردد. پیش بینی می شود که نرخ رشد مشابهی برای سال ۲۰۰۱ محقق گردد. حوزه های نفتی جدیدی در همکاری با سرمایه گذاران آمریکایی و دیگر سرمایه گذاران خارجی در حال توسعه می باشند.

با این حال، هنوز در روسیه در این بخش سرمایه گذاری های ساختاری بنیادین در کنار ایجاد رژیم دارای مشروعیت، باثبات و قابل اعتماد که مقاطعه کار نهایی مکانیسم قرارداد سهم تولید (PSA)^۱ برای مشارکت بخش خصوصی و اقدامات لازم برای ارتقای اتمسفر سرمایه گذاری عمومی باشد، مورد نیاز می باشد.

شرکت های نفتی روسی به طور قابل ملاحظه ای در مقیاس جهانی در هر دو محور جریان شمالی و جریان جنوبی (خزر) فعال شده اند، آمریکا، آفریقا، آسیای جنوبی و اروپا روسیه را در دستیابی به توان لازم در توسعه ذخایر نفت بین المللی اش مساعدت می نمایند.

گاز

روسیه ۳۳٪ از ذخایر گاز طبیعی جهان را در اختیار دارد. روسیه در سال ۱۹۹۹ میلادی ۳۵٪ از تولیدات خود در بخش گاز را به اروپا و آسیای مرکزی صادر نموده است. صادرات گاز روسیه می تواند تنوع سوخت منطقه ای و اولویت اهداف زیست محیطی را افزایش دهد. برای حفظ جایگاه فعلی تولید گاز در روسیه، توسعه ذخایر جدید و سرمایه گذاری هایی که زیربنایی باشد مورد نیاز خواهد بود.

گروه تهیه کننده گزارش در خصوص موضوع دریای خزر و روسیه پیشنهادات زیر را به رئیس جمهور آمریکا، جهت تأمین منافع آمریکا ارائه می نماید:

- گروه به رئیس جمهور پیشنهاد می کند تا به وزیر امور خارجه، بازرگانی و انرژی برای حمایت از خط لوله نفت BTC (باکو - تفلیس - جیهان) دستورات لازم صادر نماید.

1. Production Sharing Agreement (PSA)

- گروه به رئیس جمهور پیشنهاد می‌کند تا به وزیر بازرگانی، امور خارجه و انرژی دستورات لازم در ادامه کار با کشورها و شرکت‌های مرتبط در ایجاد شرایط تجاری که به شرکت‌های نفتی فعال در مورد قزاقستان اجازه صدور نفتشان از طریق خط لوله باکو - جیهان می‌دهند را صادر نماید.

- گروه به رئیس جمهور پیشنهاد می‌کند تا به وزیر امور خارجه، بازرگانی، و انرژی دستورات لازم برای حمایت از تلاش‌های کشورهای منطقه‌ای و سرمایه‌گذاران بخش خصوصی در توسعه خط لوله گاز شاه‌دینیز به عنوان یک مسیر، و در راس تای مساعدت به تنوع دسترسی ترکیه و گرجستان به منابع گاز طبیعی و صدور گاز طبیعی جمهوری آذربایجان از طریق خط لوله‌ای که تنوع مسیرهای عرضه امن انرژی را منجر گردد، صادر نماید.

- گروه به رئیس جمهور پیشنهاد می‌کند تا به وزیر امور خارجه دستور دهد تا دو کشور ترکیه و یونان را به متصل نمودن خطوط لوله گازشان ترغیب نماید تا از این طریق مصرف‌کنندگان اروپایی از طریق خرید گاز دریای خزر عرضه گازشان متنوع گردد.

- گروه به رئیس جمهور پیشنهاد می‌نماید تا به وزیر بازرگانی، انرژی، و وزیر امور خارجه دستور دهد تا گفتگوهای بازرگانی با قزاقستان، جمهوری آذربایجان و دیگر کشورهای حاشیه ساحلی دریای خزر را برای ایجاد یک فضای تجاری قوی، با ثبات و شفاف در زمینه انرژی و «پروژه‌های ساختاری مرتبط» تعمیق دهد.

روسیه

- گروه به رئیس جمهور پیشنهاد می‌کند تا به وزیر امور خارجه، بازرگانی و انرژی دستورات لازم در جهت تعمیق تمرکز بر روی مذاکرات با روسیه و انرژی و فضای سرمایه‌گذاری صادر نماید.

- گروه به رئیس جمهور پیشنهاد می‌کند تا دستورات لازم به وزیر بازرگانی، امور خارجه و انرژی صادر گردد تا از شرکت‌های آمریکایی در گفتگو با مقامات رسمی روسیه راجع به فضای تجاری و سرمایه‌گذاری حمایت نماید تا زمینه اصلاح در قانون PSA و دیگر مقررات و قوانین

مالیاتی مرتبط تشویق گردد، همانگونه که پیشرفت‌های همه‌جانبه‌ای در فضای سرمایه‌گذاری به‌وجود می‌آید. این موضوع در گسترش فرصت‌های سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در روسیه کمک خواهد نمود و نقش بین‌المللی شرکت‌های روسیه را افزایش خواهد داد.

در بخش‌های دیگر گزارش راهکارهایی جهت کاستن از میزان مصرف انرژی و سیاست‌های مربوطه، تکنولوژی‌های مدرن قرن بیست و یکم در زمینه صنعت نفت (شیوه‌های حفاری مقرون به صرفه و در مسیر رعایت الگوهای زیست‌محیطی و ...) و ایجاد رویه‌های کاری با دیگر تولیدکنندگان عمده نفتی در مناطق دیگر جهان ارائه گردیده است.

ارقام ارائه شده در گزارش نشانگر آن است که ارزش استراتژیک خلیج فارس (با توجه به دارا بودن ۶۷٪ منابع نفتی جهان به نسبت ۶٪ سهم روسیه و جمهوری‌های اتحادشوروی سابق) در میان مدت حفظ خواهد گردید. نتیجه دیگر منطقی این بحث آن است که در ورای اهداف اعلامی صرفاً اقتصادی آمریکا در مبحث دریای خزر و آسیای مرکزی و خطوط لوله، انگیزه‌های سیاسی آمریکا نقش ویژه‌ای را ایفا می‌نمایند.

با توجه به امضای توافقنامه قزاقستان - روسیه و موافقت قزاقستان در زمینه انتقال بخش اعظم نفت خام تولیدی قزاقستان در بلندمدت از مسیر تنگیز - نوروسیسک و نیز کم‌رنگ شدن ارزش اقتصادی مسیر باکو - تفلیس - جیهان، روس‌ها در حال تقویت جایگاه خود در معادلات و محاسبات تأمین انرژی غرب (هرچند در مقیاسی غیرقابل مقایسه با اهمیت خلیج فارس) می‌باشند. نکته دیگر حائز توجه در این رابطه بهره‌برداری از فرایند ایجاد شده در زمینه نفت شمال (خزر - اوراسیا - روسیه) در جهت ایجاد فضای روانی و تبلیغی برای شکستن انحصار سلطه اوپک بر بازارهای نفتی جهان از سوی محافل مصرف‌کننده نفت می‌باشد.

با توجه به قرار گرفتن ایران در حدفاصل دو کانون تولید انرژی جهانی شمال (خزر - اوراسیا - روسیه) و جنوب (خلیج فارس) می‌توان به ارزش ژئوپلتیک روبه‌تزايد ایران در منطقه پی برد. آدرس اینترنتی متن کامل گزارش:

<http://www.energy.gov/HoPress/releases01/maypr/energy-policy.htm>

ترجمه حمیدرضا حافظی